

یکی از اهداف دانشگاه انقلاب بررسی و تحلیل مشکلات و مسائل دانشجویان و ارائه راه‌های پیشنهادی آگاهانه است که خود با این مشکلات مواجه‌اند. در همین راستا طی نشست‌ها با آقای علی منتظری داشتیم پاره‌ای از مشکلات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی دانشجویان ایرانی در بریتانیا را مورد گفتگو قرار دادیم که متن آن به قرار زیر است:

## وضعیت دانشجویان ایرانی در انگلستان

### در گفتگو با علی منتظری

#### ○ ابتداء مختصری از وضعیت

دانشجویان ایرانی و مراکز عمده آنها در انگلستان و موقعیت علمی و اجتماعی آنها را بیان بفرمائید.

● قبل از اینکه به پاسخ شما بپردازم، توضیح دو نکته را مفید می‌دانم.

اول اینکه: اطلاعات و سابقه حقیر در این موضوع چندان وسیع نیست لذا آنچه از من خواهید شنید مربوط به اندک اطلاعاتی است که در طول نزدیک به دو سال اقامت و زندگی دانشجویی در خارج از کشور دارم.

دوم اینکه: به جای انگلستان شاید بهتر باشد بگوییم بریتانیا. چرا که در ایران به اشتباه کلیه دانشجویانی را که در بریتانیا تحصیل می‌کنند، دانشجوی اعزامی به انگلستان می‌گوییم.

همان‌طور که می‌دانید بریتانیا از چهار کشور تشکیل شده است:

انگلستان به مرکزیت لندن

اسکاتلند به مرکزیت ادینبورگ یا ادینبورگ ولز به مرکزیت کاردیف ایرلند شمالی به مرکزیت بلفاست.

فی الواقع، این چهار کشور تحت قیمومیت ملکه هستند و با یک پارلمان و یک هیأت وزیران مستقر در لندن اداره می‌شوند. بجز انگلستان، سه کشور دیگر هرکدام یک وزیر خاص دارند که در کابینه شرکت دارند و مسائل و منافع کشور خود را در چهارچوب اهداف حزب حاکم پیگیری می‌کنند.

اکنون با این مقدمات در پاسخ شما می‌توانم گفت که مراکز عمده دانشجویان ایرانی در انگلستان و اسکاتلند است.

در انگلستان - شهرهای لندن، منچستر، بیرمنگام، لیدز و نیوکاسل بیشترین دانشجویان اعزامی را دارند. در شفیلد، در برادفورد، واریک، و سایر شهرها هم تعدادی اندک دانشجوی ایرانی

مشغول هستند.

در اسکاتلند مرکز عمده دانشجویان ایرانی شهر گلاسگو است.  
در ادینبورو و آبروین و در سایر شهرهای اسکاتلند تعداد انگشت‌شماری دانشجوی ایرانی وجود دارد.

در ولز هم در شهر کاردیف علی‌الظاهر تعداد بسیار محدودی دانشجوی ایرانی حضور دارند. در ایرلند شمالی تقریباً می‌توان گفت که دانشجوی ایرانی نداریم. البته در ایرلند جنوبی که کشور مستقلی است تعدادی دانشجو داریم که حساب آن از انگلستان اصطلاحی جداست. براساس تخمین، حدس من این است که مجموعاً حدود هفتصد تا هشتصد دانشجوی اعزامی در بریتانیا مشغول تحصیل هستند که از سوی دو وزارتخانه فرهنگ و آموزش عالی و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اعزام شده‌اند. البته برای اطلاع دقیق‌تر می‌توان با اداره کل بورسها در این دو وزارتخانه تماس گرفت.

از نظر علمی و اجتماعی هم تا جایی که من سراغ دارم، بحمدالله وضع دانشجویان ایرانی در مجموع خوب است. تقریباً از نظر علمی شایستگی دانشجویان ایرانی ممتاز و از نظر اجتماعی هم اگرچه مشکلاتی وجود دارد، منتها این مشکلات در قیال هدف دانشجویان، عمده نیست. به هر حال زندگی خارج از کشور و دوری از وطن و خانواده و زندگی در یک اجتماع غریبه با فرهنگ و مناسبات اجتماعی خاص، ساده نیست. همه چیز در رفاه خلاصه نمی‌شود.  
○ ممکن است قدری از مشکلات عمده دانشجویان ایرانی را در انگلستان اجمالاً توضیح دهید؟

● حقیقت این است که من نمی‌دانم مشکلاتی که عرض خواهم کرد به چه میزان عمده است و به چه اندازه عمده نیست.

به زبان ساده مشکلات باید به دو دسته تقسیم شوند:

- اول مشکلات درسی و علمی

- دوم مشکلات زندگی روزمره

در مورد مشکلات درسی و علمی مهمترین مشکل دانشجویان ایرانی را می‌توان چنین فهرست کرد:

- مشکل زبان. این مشکل یکی از مشکلاتی است که معمولاً تا آخرین لحظات هم رفع نمی‌شود.

- مشکل عدم آشنایی به سیستم آموزشی و در نتیجه عدم بهره‌گیری کافی از امکانات موجود در دانشگاهها و تسهیلاتی که برخوردار می‌باشند از آنها جزء حقوق مسلم هر دانشجو است.

- مشکل استاد راهنما. در این مورد بعضی از دانشجویان ناخودآگاه با معضلاتی مواجه می‌شوند که در واقع زندگی علمی آنها را تلخ می‌سازد. همانگونه که می‌دانید در نظام آموزش عالی انگلستان برای دوره‌های تکمیلی نظیر دوره دکتری، هر دانشجو یک استاد راهنما دارد که در واقع هدایت‌کننده دانشجو در تحصیل است. غیر از این، دانشجو منجماً و پناهی ندارد. کلاس و درس و نمره‌ای وجود ندارد. او بایستی براساس توافق اولیه بر روی یک پروژه حداقل به مدت سه سال کار کند. لذا اگر استاد راهنما فعال نباشد، اگر استاد راهنما دلسوز نباشد و اگر استاد راهنما به هر دلیل دست دانشجو را نگیرد، اینجاست که مشکلات آغاز می‌شود. مشکلاتی نظیر طولانی شدن دوره تحصیل که گاه عذاب‌دهنده است و مشکلاتی همانند اجبار به تغییر پروژه و تغییر استاد راهنما و بالطبع مشکلات روحی و از همه مهمتر پیدا شدن مشکلاتی با سازمان بورس دهنده و پیدایش مشکلات مالی و ... ملاحظه می‌فرمائید که این مشکل تا چه حد می‌تواند مهم تلقی شود. لذا در این مورد یعنی انتخاب استاد راهنما بایستی بسیار وسواس به خرج داد. اگر دانشجو اندکی در ابتدا تأمل کند و با استفاده از تجربیات سایرین وارد میدان عمل شود، قطعاً در پایان تحصیلات از مشکل کمتری رنج خواهد برد.

- مشکل شهریه. اطلاع دارید که کلیه دانشگاههای انگلستان چه از دانشجویان بومی و چه از دانشجویان خارجی شهریه سالانه

می‌گیرند؛ منتها شهریه دانشجویان بومی کمتر و شهریه دانشجویان خارجی بیشتر است. دانشجویان خارجی هم به دو دسته تقسیم می‌شوند. دانشجویان کشورهای اروپایی و دانشجویان سایر کشورها. علی‌الظاهر شهریه دانشجویان کشورهای اروپایی همانند دانشجویان بومی است و یا کمی بیشتر ولی در مورد دانشجویان سایر کشورها مانند کشورهای آسیایی و آفریقایی، شهریه‌ها نسبتاً زیاد است. (رقمی در حدود سه برابر دانشجویان بومی)

دانشجویان ایرانی براساس یک نامه از وزارتخانه‌های ذیربط تقریباً در سال اول مشکلی برای ثبت نام ندارند. منتها مشکل معمولاً در سال دوم بروز می‌کند: به عللی شهریه سال اول دانشجویان پرداخت نمی‌شود و لذا در سال دوم وقتی می‌خواهد ثبت نام کند، (چون اگر ثبت نام نکند دیگر دانشجویی تلقی نمی‌شود)، مسئولان بعثت عدم پرداخت شهریه سال اول از ثبت نام وی جلوگیری می‌کنند و می‌گویند: متأسفانه دولت شما هنوز شهریه سال قبل شما را پرداخت نکرده است و ...

این، یعنی عقب افتادن از تحصیل، شروع مشکلات جدی روحی و خلاصه بین‌بست‌های عجیب و غریب که در غربت کشنده است.

چون شما اگر چنین مشکلاتی در داخل کشور هم داشته باشید به زودی حل نمی‌شود، چه برسد به آنکه شما در انگلستان باشید و بخواهید چنین مشکلی را با تلفن و نامه (که حداقل یک ماه طول می‌کشد) حل کنید!

بر همین اساس به‌عنوان یک دانشجوی تقاضا می‌کنم که مسئولان محترم در وزارت فرهنگ و آموزش عالی و وزارت بهداشت و مخصوصاً مسئولان محترم سیستم بانکی کشور و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در پرداخت شهریه دانشگاهها به موقع اقدام کنند. چرا که این امر واقعاً به از بین رفتن اعتبار نظام جمهوری اسلامی ایران و دانشجویی که از سوی این نظام اعزام شده منجر می‌شود.

بارها که از دوستان دانشجویان شنیده‌ام که در دانشکده‌ها و دپارتمانها به آنها تذکر داده شده است که پول شهریه شما پرداخت نشده است و این تذکرات برای بار اول و دوم قابل تحمل است ولی وقتی تداوم یافت، شکننده است؛ یا اخیراً یکی از دوستان دانشجویان در گلاسکو برای ثبت نام سال دوم مراجعه کرده بود که از ثبت نام ایشان بعثت تأخیر در پرداخت شهریه سال اول جلوگیری به عمل آورده بودند.

این بخشی از مشکلات درسی و علمی دانشجویان بود. در مورد مشکلات دسته دوم که مشکلات زندگی روزمره است، به اجمال مواردی را عرض می‌کنم:

- مشکل کمک هزینه تحصیلی. در این مورد معمولاً دانشجویان با مشکل مواجه هستند. علی‌رغم تمام صرفه‌جوییها، بعثت عدم دریافت به موقع کمک هزینه تحصیلی، بخشی از ذهن و فکر آنها به اموری می‌گذرد که اولاً نه شایسته است و ثانیاً موجب اتلاف وقت و تبعات روحی و فکری می‌شود.

- مشکل امور تحصیلی فرزندان. دانشجویان متأهلی که فرزندان محصل دارند از این بابت در مضیقه هستند. به چند جهت: اول اینکه نمی‌خواهند فرزندانشان از درس و مشق و تحصیل عقب بمانند و دوم اینکه مدارس ایرانی محدود است و گاه از نظر موقعیت شهری برای آنها مقدور نیست که فرزندان خود را به مدارس ایرانی بفرستند. از سوی دیگر، مدارس ایرانی در اروپا براساس مقرراتی اعلام داشته‌اند که اگر دانش‌آموزی ثبت نام نکند و در کلاسها حاضر نشود، حق شرکت در امتحانات را ندارد.

بدین ترتیب دانشجویان بر سر دوراهی قرار می‌گیرند. یا باید به تحصیل خود برسد یا باید به تحصیل فرزند یا فرزندانش فکر کند.

- مشکل مسکن. اوقات فراغت و مشکلات جزئی‌تر دیگری نیز وجود دارد که جهت جلوگیری از اطاله کلام، فقط ذکر آن را کافی می‌دانم. مثلاً مشکل مسکن و پرداخت هزینه زیاد بابت اجاره و دوری از دانشگاه و اتلاف وقت

زیاد بابت رفت و آمده دانشگاه از جمله مشکلاتی هستند که به هر حال دانشجویان با آن به نوعی کنار آمده‌اند و خود را با این نوع از مسائل تطبیق داده‌اند. خلاصه زندگی، زندگی دانشجویی است و پاره‌ای از مشکلات خاصیت این دوره است که باید آن را تحمل کرد. خلاصه برخلاف تصور، اگرچه تقریباً دانشجویان ایرانی از یک رفاه نسبی برخوردار هستند منتها این بدان معنا نیست که آنها راحت هستند. همانطور که عرض کردم مشکلات روحی و فکری و دوری از وطن و اجتماع خودی، مشکلاتی می‌آفریند که با رفاه و راحتی مادی بدست نمی‌آید. به نظر من، تحصیل هدفدار و جهت‌دار و تلاش صادقانه در این راه برای اعتلای علمی کشور به شرط آنکه به امور دنیوی آلوده نشود می‌تواند نوعی از جهاد تلقی شود. بدون شک لازمه این امر بهره‌وری از تمامی امکانات علمی است که یک دانشجو در خارج از کشور در اختیار دارد و معادل آن در داخل نیست. اصولاً فلسفه اعزام هم همین است. چرا که اگر این امکانات در داخل وجود داشت دیگر اعزام معنایی نداشت.

○ وظیفه و نقش دفتر سرپرستی دانشجویان مستقر در سفارت جمهوری اسلامی ایران در لندن در حل مشکلات دانشجویان چیست و به طور کلی این دفتر در عمل چقدر موفق بوده و علل قصور احتمالی آن چه بوده است؟

● می‌دانید که ما دو سازمان عمده اعزام دانشجو به خارج داریم، وزارت بهداشت و وزارت فرهنگ و آموزش عالی.

تاجایی که من مطلع هستم وزارت بهداشت فرد خاصی را به عنوان سرپرستی دانشجویان تعیین نکرده است، منتها برادر سالار آملی که مسئول دفتر سرپرستی دانشجویان وزارت فرهنگ و آموزش عالی هستند همراه با برادر قاضی و سایر همکارانشان زحمت دانشجویان وزارت بهداشت را هم می‌کشند.

این دفتر فی‌الواقع رابط اصلی و رسمی دانشجویان با سازمان‌های اعزام کننده است.

پرداخت شهریه دانشگاهها، سامان دادن کمک هزینه دانشجویان و پاره‌ای از مذاکرات با مسئولان دانشگاههای محل تحصیل دانشجویان اعزامی به طور مستقیم و یا غیرمستقیم از طریق این دفتر انجام می‌گیرد.

طبیعی است که از سوی دیگر این دفتر با مسئولان ذیربط در داخل کشور در ارتباط است و مشکلات تحصیلی و سایر مشکلات دانشجویان را به آنها منتقل و پس از کسب نتیجه اقدام می‌کنند.

دفتر در مورد پیشرفت امور تحصیلی دانشجویان نیز نظارت کلی دارد و تقریباً می‌توان گفت که آخرین اطلاعات را پیرامون هر دانشجو کسب می‌کند و در صورت لزوم با دانشجو از طریق مذاکره و مکاتبه به مشورت می‌پردازد.

البته استنباط شخصی من این است که این نوع دفاتر اختیارات چندانی ندارند که بتوانند مشکلات را در اسرع وقت حل کنند. به هر حال بودن آنها بهتر از هیچ است. نقش مشاوره‌ای این دفاتر کم نیست.

در زمینه‌های دیگر هم دفتر علاقمند به حل مشکلات دانشجویان می‌باشد. مثلاً در امور کنسولی و یا امور مالی (در مورد دانشجویانی که در مضیقه هستند) دفتر به مشکلات و حل آنها می‌پردازد.

به طور خلاصه اگر قصوری در کار دفتر وجود دارد بیشتر به مسأله اختیارات برمی‌گردد. در ضمن مسأله برقراری ارتباط و دریافت پاسخ از داخل کشور هم از جمله موانعی است که توانانهای دفتر را کاهش می‌دهد.

در مدت نزدیک به دو سالی که بنده در گلاسکو بوده‌ام، مسئولان دفتر تاکنون دوبار یا سه بار به این شهر آمده و با دانشجویان مذاکره و ملاقات داشته‌اند. به نظر من این حرکت خوبی است. طبیعی است این عزیزان به شهرهای دیگر هم رفته‌اند و این می‌تواند تصویر خوبی از مشکلات دانشجویان به آنها بدهد که در ارتباط با مسئولان داخل آنها را به صورت کلان حل نمایند.

○ دانشجویان ایرانی چند شکل دانشجویی در انگلستان دارند و چه اهدافی را دنبال می‌کنند؟

● یک شکل وجود دارد و خط مشی کلی آن دفاع از انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران و تبعیت و پیروی از مقام معظم رهبری است. اکثر دانشجویان ایرانی با توجه به محل تحصیل خود با این شکل در ارتباط هستند. البته ممکن است اختلاف سلیقه‌ای دیده شود ولی خوشبختانه در مجموع وحدت چشمگیر است و دانشجویان به وسع خویش در فعالیتهای این شکل در شهری که تحصیل می‌کنند مشارکت دارند.

○ درباره ساختار نظام آموزش عالی انگلستان در مقایسه با ساختار نظام آموزش عالی در ایران توضیحاتی بفرمائید.

● اطلاعات من محدود می‌شود به تحصیلات دوره تکمیلی.

در دوره فوق لیسانس یا کارشناسی ارشد دو شیوه وجود دارد: یک شیوه کلاسی و انتخاب واحد و امتحان و دیگری شیوه پژوهش. در شیوه اول دانشجو با انتخاب واحد و شرکت در امتحانات کتبی و شفاهی تحصیل می‌کند و در شیوه دوم دانشجو پروژه‌ای را انتخاب می‌کند و در پایان با ارائه یک تز فارغ‌التحصیل می‌شود. البته در شیوه اول هم تز وجود دارد منتها وسعت آن محدود است. دوره پژوهش معمولاً ۲ سال است و دوره کلاس را می‌توان یک ساله یا دو ساله تمام کرد.

در دوره دکتری، فقط با ارائه یک تز و دفاع از آن می‌توانید فارغ‌التحصیل شوید. در این دوره کلاس و درس و امتحان وجود ندارد. دانشجو موظف است که پروژه‌ای را تعریف کرده و پس از حداقل سه سال کار بر روی آن به دفاع از آن بپردازد.

علاوه بر این شما پس از کسب اولین مدرک دانشگاهی مثلاً مدرک کارشناسی می‌توانید در دوره دکتری ثبت نام کنید. به عبارت دیگر در انگلستان داشتن فوق لیسانس برای ورود به دوره

دکتری الزامی نیست. دانشجویان بومی در انگلستان معمولاً با توجه به هدفی که دارند پس از لیسانس یا فقط فوق لیسانس می‌خوانند و یا وارد دوره دکتری می‌شوند. فی‌الواقع آنها مدرک را برای مدرک نمی‌گیرند، آنها محاسبه می‌کنند که مدرک را برای چه می‌خواهند. لذا تقریباً برای آنها مرسوم نیست که دو مدرک در دوره تکمیلی بگیرند.

○ نظام آموزش عالی انگلستان چه خصوصیات مثبت و محناتی دارد که برای ما قابل اقتباس و استفاده است؟

● پاسخ به این سؤال قدری مشکل و تاحدی غیرممکن است. چرا که نظام آموزش عالی آنها بر پایه‌ای استوار است که از دوره ابتدایی و یا حتی پیش دبستانی شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر نظام آموزش عالی انگلستان در یک هماهنگی کامل با سیستم آموزشی آنها عمل می‌کند و لذا است که به نظر بنده که در این مسائل کارشناس هم نیستیم ما نمی‌توانیم مقداری از یک کل را کپی کنیم و انتظار توفیق داشته باشیم و یا فکر کنیم که مثلاً فلان امتیاز مثبت می‌تواند برای ما هم آثار مثبت به همراه داشته باشد.

علی‌ایحال، نکاتی که به نظر من رسیده است عرض می‌کنم:

اول اینکه اینها براساس یادگیری کار می‌کنند برخلاف ما که بر محفوظات تکیه می‌کنیم.

دوم اینکه اینجا هیچ اضرائی وجود ندارد که مثلاً وقتی شما استاد هستید، همه چیز را باید بدانید. در اینجا استاد اگر چیزی را نداند به صراحت می‌گوید نمی‌دانم. این روحیه در واقع در حین تحصیل به دانشجو آموزش داده می‌شود و به او یاد می‌دهند که در موضوع مورد علاقه خود و آن هم در یک شاخه مشخص و محدود متخصص و مجتهد شود. در اینجا فارغ‌التحصیل دوره دکتری در یک حوزه بسیار محدود صاحب‌نظر می‌شود. صاحب‌نظر به معنای واقعی و عمیق آن. برخلاف ما که از هر چیزی قدری می‌چشیم و در پایان هم همه چیز می‌دانیم

کنید چه به صورت اطلاعات آماده و چاپ شده و چه به صورت اطلاعات آماده و قابل استفاده از کامپیوترها. فقط لازم است که شما بدانید چه می‌خواهید.

بسیاری از اطلاعاتی که شاید در کشور ما محرمانه تلقی می‌شود اینجا چاپ می‌شود و در اختیار محقق قرار می‌گیرد. طبیعی است با چنین جوی محقق می‌تواند به کاستیهای واقعی بپردازد و در خدمت کشور خود باشد. و نکته آخر اینکه خلاصه اینجا امکانات تحقیق واقعاً فراهم است از کتابخانه و مجله و کامپیوتر گرفته تا شبکه‌های اطلاعاتی و آماری که محقق را به شوق می‌آورد. بنده در همین سفر کوتاهی که به تهران داشتم یکی از دوستان مسلمان و متعهد دانشگاهی را دیدم که چهار مقاله در ژورنالهای انگلیسی چاپ کرده بود ولی اکنون که سال ۱۹۹۳ پایان یافته هنوز ژورنالها به دست خودش نرسیده است.

آنها که اهل فن هستند می‌دانند که چاپ چهارمقاله در یک سال در ژورنالهای علمی انگلستان و با کشورهای دیگر یعنی چه آنهم از ایران؟ (این کار حتی برای یک محقق بومی در انگلستان یک آرزو تلقی می‌شود).

خوب! پاسخ این محقق و پژوهشگر موفقی ایرانی را که در همین تهران مشغول است چه کسی باید بدهد؟ دانشگاه؟ وزارتخانه؟ یا بانک مرکزی؟ (برای ارز لازم خرید مجلات) و یا...؟  
به راستی چنین پژوهشگری چگونه می‌تواند کار خود را دنبال کند؟ با چه شوقی و با چه انگیزه‌ای؟

به همین دلیل است که خلاصه عرض بنده این است که امکانات لازم برای پژوهشگران کشور باید فراهم شود تا آنها تشویق شوند که به تدریج به سمت موضوعات و مسائل ملموس‌تری حرکت کنند. خواست به حقی که ریاست محترم شورایی انقلاب فرهنگی و رئیس جمهور محترم هم بارها بدان تأکید فرموده‌اند.

○ پاره‌ای از دانشجویان ایرانی را

مسأله دیگری که در اینجا به نظر من بسیار جالب آمد، تکیه بر متدلوژی است. من نمی‌دانم که آیا در نظام آموزش عالی ما و در دوره تحصیلات تکمیلی آیا به این موضوع اهمیت لازم داده می‌شود یا خیر؟

در اینجا از ابتدا تأکید بر این است که دانشجوی در هر رشته‌ای متدلوژی و مهارتهای لازم را در زمینه روش تحقیق و پژوهش کسب کند. و این امر بسیار با اهمیتی است که به نظر می‌رسد در کشور ما یا فراموش شده و یا کمتر به آن توجه می‌شود و یا شاید هم امکانات لازم و منابع مورد نیاز برای این کار وجود ندارد. موضوع دیگری که باید در این مختصر به آن اشاره کنم ارتباطی است که بین پروژه‌های تحقیقاتی آکادمیک و دستگاههای اجرایی، صنایع و مدیریتهای مختلف در کلیه سطوح وجود دارد.

اصولاً نظام اجرایی بدون پژوهش و تحقیق کاری انجام نمی‌دهد و معمولاً این تحقیقات توسط دانشگاهیان انجام می‌شود.

ما در این زمینه قطعاً بسیار عقب هستیم و لازم است در این مورد تحولی در کشور ما به وجود آید. هم دانشگاهیان و هم نظام اجرایی باید به این مهم بپردازند و نقش خود را ایفا کنند. به عبارت دیگر دانشگاه باید از موضوعات پژوهشی تجردی بکاهد و نظام اجرایی هم بایستی راه تحقیق و پژوهش را برای دانشگاهیان بگشاید. وقتی می‌گویم باید راه را بگشاید دو مقصود دارم. اول سرمایه‌گذاری مادی و دوم بنای یک سیستم اطلاعات علمی که بتواند به اطلاعات مورد نیاز یک محقق را برای او تأمین کند.

بدون داشتن اطلاعات و آمار، پژوهش یعنی هیچ! در اینجا ما به عنوان یک دانشجوی خارجی به همان اندازه به اطلاعات دسترسی داریم که یک دانشجوی بومی و علاوه بر این شما به عنوان یک پژوهشگر در هر زمینه‌ای بخواهید می‌توانید اطلاعات و آمار لازم را کسب

دیدهایم که قبل از اتمام تحصیلات به کشور باز می‌گردند. عمده‌ترین علل انصراف این دانشجویان چیست و چه راه حلی برای مقابله با آنها مورد توجه است؟

● به راستی من نمی‌دانم. اتفاقاً من با یکی از این برادران از نزدیک برخورد داشتم. ایشان می‌گفتند اینجا (مقصود دانشگاه گلاسکو) چیزی ندارد که برای من قابل استفاده باشد. واقعاً اگر بخواهیم به طور جدی این موضوع را ریشه‌یابی کنیم باید پای صحبت منصرفین بنشینیم و نظرات آنان را جویا شده و آن را جمع‌بندی کرده و راه مقابله را هم از همین جمع‌بندی استخراج کنیم.

البته تعداد این افراد فکر نمی‌کنم زیاد باشد. شاید هم زیاد باشد و من اطلاع ندارم. به هر حال چند دلیل عمده را باید در مورد افراد منصرف در نظر گرفت.

- نمی‌توانند خود را با محیط وفق دهند (مقصود این است که این افراد تحمل دوری از وطن و خانواده و محیط کار و فرهنگ خودی را ندارند).

- مشکل زبان و دروس و نحوه آموزش برای آنها حل نمی‌شود.

- به راههای استفاده از منابع و تقویت علمی خویش نمی‌توانند دست پیدا کنند.

- تصورات غریب و انوعی از فرنگ و دانشگاههای خارج موجب می‌شود که در برخورد با واقعیت، دانشجو نتواند بر مشکلات و سختیها فائق آید و...

خلاصه دلایلی از این دست البته گریبان همه را و یا حداقل بخش عظیمی از دانشجویان را می‌گیرد. منتها همانطور که عرض کردم باید صبور بود و با توکل برخدا بر آنها غلبه کرد تا انشاء... بتوان با دست پر به میهن اسلامی بازگشت و در خدمت مردم بود. اگر چه اگر کسانی در داخل می‌توانند درس بخوانند و شرایط برای آنها مهیا است طبیعی است داخل ارجح است به دلایل بی‌شمار که ذکر آن از حوصله این گفتگو خارج است.

○ برخی از دانشجویان ایرانی بعد از فراغت از تحصیل جذب جامعه غرب می‌شوند. عوامل اصلی این جریان چه بوده و چه راه حلی از سوی آموزش عالی ایران برای آن اتخاذ شده است؟ نظر خود شما چیست؟

● آیا شما آمار درسی در دست دارید؟ واقعاً چه در صدی از دانشجویان بعد از فراغت از تحصیل جذب جامعه غرب می‌شوند؟

بعید است که در مورد دانشجویان اعزامی چنین مشکلی وجود داشته باشد و اگر هم باشد بسیار نادر است.

وزارت بهداشت و وزارت فرهنگ و آموزش عالی تنها از راه حقوقی با این قضیه برخورد دارند. به عبارت دیگر دانشجوی اعزامی به صورت رسمی و محضری وثیقه منکی می‌سپارد که پس از اتمام تحصیلات به کشور بازگردد و خدمت کند. بدیهی است اگر دانشجو به تعهد خویش عمل نکرد، مسئولان هم حقوق خویش را از طریق قانونی مطالبه می‌کنند.

این یک دورنمای بسیار رسمی از موضوع است. منتها عرض من این است که عملاً دانشجوی اعزامی و یک فرد مؤمن و متعهد و وطنخواه هیچگاه چنین نمی‌کند. آرزوی هر دانشجو این است که درس خود را تمام کند و به کشور بازگردد. در مورد افرادی که می‌فرمائید جذب می‌شوند، شاید امکانات علمی و تحقیقی دانشگاههای غرب و شاید هم مسائل و مشکلات دیگر باعث می‌شود چنین مسأله‌ای حادث شود. به هر حال واقعاً من نمی‌دانم؛ اصولاً ما چه الزامی داریم اگر کسی نمی‌خواهد در کنار مردم خود باشد به او اجبار کنیم. فقط به نظر من حقوق مادی ملت که توسط وزارتخانه‌های ذریبط برای یک دانشجو مصرف شده است، باید بازگردانده شود.

البته خوب است که شما پاسخ این سؤاها را از مسئولان ذریبط بخواهید نه یک دانشجو!

○ بسیاری از دانشجویان اعزامی به خارج، به طرق مختلف از نحوه اعزام و عدم همکاری و هماهنگی مسئولان اعزام به خارج

شکایت کرده‌اند، نظر خود شما در این خصوص چیست؟

چنانچه شخصاً در این خصوص مشکلی نداشته‌اید، آیا با کسانی مواجه شده‌اید که با این اشکال روبرو بوده‌اند؟ در این خصوص توضیح بیشتری بفرمائید.

● ببینید واقعیت امر این است که این مسأله به مسئولان اعزام مربوط نمی‌شود. شما وقتی تک تک آنها را می‌بینید و با آنها صحبت و گفتگو می‌کنید، می‌بینید اولاً آنها هم مثل خود شما از گردش کار گلایه مندند و ثانیاً آنها هم برادران و خواهران خود شما هستند که مشغول به کارند. کسی آنها را العیاذ بالله... از خارج و یا کرهٔ مریخ نیارده است!

پس مشکل کجاست؟ به نظر من مشکل در بوروکراسی وحشتناکی است که بر نظام اداری ما حاکم است. اگر این مشکل در کلیت نظام حل نشود، شما نمی‌توانید توقع داشته باشید که مسئولان اعزام هماننگ عمل کنند.

مقصود از عدم همکاری چیست؟ مقصود این است که برای یک امضاء و یا برای یک امر ساده و بدیهی باید ساعتها و شاید روزها معطل ماند؟

بله! درست است این هم خاصیت همین کاغذبازها است که انشاء... بایستی به نحوی انقلابی حل شود. متأسفانه ما تجربهٔ نهادهای انقلاب اسلامی را جدی نگرفتیم و اکنون در هر کجا که نگاه می‌کنید، این مشکل بوروکراسی، در حال رشد است مثل غدهٔ سرطانی!

البته صد رحمت به ادارهٔ کل بورسها در هر دو وزارتخانه بهداشت و فرهنگ و آموزش عالی، منتقدین شاید جاهای دیگر را ندیده باشند.

○ در مورد سمینارهای علمی دانشجویان مقداری توضیح دهید؟

● کدام دانشجویان؟  
دانشجویان ایرانی و یا دانشجویان دانشگاههای انگلستان؟

○ دانشجویان دانشگاههای انگلستان؟

● دانشجویان در آنجا بیشتر در اتحادیه‌های دانشجویی فعالیت دارند و لذا اکثر سمینارهایی که برگزارکنندگان آن دانشجویان هستند معمولاً غیر علمی است، یعنی بیشتر سیاسی-اجتماعی و شاید هم فرهنگی-هنری است. البته دانشجویان در سمینارهای علمی بسیاری شرکت می‌کنند، مستثنا برگزارکننده این سمینارها دانشکده‌ها، دپارتمانها و گروههای علمی و مجامع علمی و اجرایی هستند.

○ روند بازگشت فارغ‌التحصیلان ایرانی از دانشگاههای انگلستان به کشور چگونه است و به‌طور کلی این فارغ‌التحصیلان در بازگشت به کشور با چه مشکلاتی مواجه می‌شوند؟

● قطعاً پاسخ به این سؤال بایستی از مسئولان دریافت شود. بنده هیچ اطلاعاتی از این موضوع ندارم.

○ آیا دانشجویان شاغل به تحصیل در انگلستان هم با مشکل ارزشیابی مدارک تحصیلی مواجه هستند یا نه؟ توضیح بفرمائید.

● تا جایی که من مطلعم خیر، به خصوص افرادی که قبل از اعزام هماهنگی لازم با ادارهٔ کل بورسها و کارشناسان ذیربط بعمل آورده باشند. طبیعی است اگر دانشجویی بخواهد در یک دانشگاه و یا کالج غیر معین درس بخواند و مدرکی بگیرد؛ در بازگشت با مشکل ارزشیابی مدرک مواجه خواهد شد. شاید ارزیابی موجود ما از توان علمی و اعتبار دانشگاههای انگلستان چندان به روز نباشد و گاهی هم سلیقه‌ای باشد، یعنی به سلیقهٔ شخصی افراد برای دانشگاهی اعتبار قائل باشیم و برای دیگری نباشیم، ولی به‌هرحال در مجموع این به عهدهٔ دانشجویان است که برای جلوگیری از هر سوءتفاهم بعدی و مشکلات ناشی از آن، از همان ابتدا در مورد رشتهٔ تحصیلی و دانشگاه خود، توافقی رسمی و کتبی مسئولان را کسب کنند.